

جرم‌انگاری و کیفرگذاری تعدد حدود

در فقه امامیه و قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲

سید محمد مهدی ساداتی^۱

محمد هادی صادقی^۲

فضل‌الله فروغی^۳

چکیده

سیاست جنایی ایران درباره تعدد حدود در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ ش دستخوش دگرگونی‌های فراوان شده است. دلیل این امر، ابهام در مورد چرایی جرم‌انگاری و کیفرگذاری تعدد حدود در قوانین سابق بوده است. همچنین این ابهام، یکی از دلایل عدول تعدد جرائم تعزیری از ملاک تعدد حدود در قانون جدید مجازات اسلامی می‌باشد؛ به گونه‌ای که تعدد جرائم تعزیری عیناً به قانون مجازات عمومی ۱۳۵۲ بازگشته است. لذا این مقاله با روش تحلیلی- توصیفی و با استفاده از کتب، اصول و قواعد فقهی در صدد تبیین و انسجام‌بخشی به قواعد مربوط به تعدد اعتباری و مادی جرائم حدی است.

یافته این مقاله حاکی از آن است که تعدد اعتباری در حدود قابل تصور بوده، همچنین در تعدد حدود ناظر به حق الناس، مانند قذف، اصل بر جمع مجازات‌ها است. هدف در مجازات‌ حدود متعدد نیز در وهله اول سزادهی نیست، بلکه هدف تطهیر بزهکار است. از این رو، تداخل مجازات در جرائم مشابه حدی خلاف اصل عدالت تلقی نمی‌شود. همچنین قانون‌گذار برخلاف اجماع فقهای امامیه و تنها بر اساس نظر فقهای شافعی، حنفی، مالکی و حنبلی، و با تقلید از حقوق کیفری مصر، حکم به تداخل مجازات‌ها در مرحله اجرای احکام با عنوان «جمع نسبی مجازات‌ها» داده است.

واژگان کلیدی: تداخل مجازات، تعدد اعتباری، تعدد حدود، تعدد مادی، جمع مجازات.

mohamad.sadati@yahoo.com

sadeghi@shirazu.ac.ir

forughi@yahoo.com

۱. استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شیراز (نویسنده مسئول)

۲. دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شیراز

۳. دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شیراز

مقدمه

پارادایم انقلاب اسلامی اداره زندگی دنیوی بر اساس آموزه‌های وحیانی بوده است. قاعدتاً از مهم‌ترین جنبه‌های زندگی دنیوی جرائم و مجازات‌ها است. جرائم در حقوق اسلامی در یک تقسیم‌بندی کلی به جنایات و غیر آن تقسیم می‌شوند. در جنایات، قصاص و دیات، واکنش جزایی شمرده می‌شوند. در عین حال، منابع اسلامی در باب قصاص و دیات اغلب ناظر به حق الناس بوده و از احکام متقن و منسجمی برخوردار است.

حدود و تعزیرات نیز از زمره جرائم غیرجنایی به حساب می‌آیند. اهمیت حدود از آن روست که اصل در حدود آن است که این دسته از واکنش‌های کیفری، اولاً اغلب دارای جنبه حق‌اللهی هستند، دوم اینکه معمولاً الگویی برای مجازات‌های تعزیری و اصطیاد قواعد فقهی برای تسری آن‌ها به تعزیرات محسوب می‌شوند. به عبارت دیگر، حدود و قواعد آن، از جمله قواعد مربوط به تعدد جرم، به دلیل مقدر بودن آن از سوی شارع مقدس، به باور بسیاری می‌تواند معیار مناسبی برای تدوین و تنقیح مجازات‌های تعزیری ارائه دهد.

لیکن در خصوص قواعد مربوط به تعدد جرم این گونه نبوده است و قانون‌گذار در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ ش، برعکس قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ ش، به دلایلی چند از قواعد مربوط به تعدد تعزیرات که براساس مدل تعدد حدود تنظیم شده بود، عدول کرده و عیناً به مجازات تعدد جرم در قانون مجازات عمومی ۱۳۵۲ بازگشته است. این امر که دلیل آن به روشنی مشخص نیست می‌تواند گواه تغییر رویکرد قانون‌گذار از قوانین و قواعد اسلامی تلقی شود.

برخی از دلایل عدم استفاده از قواعد تعدد جرم در تعدد جرائم تعزیری عبارت‌اند از: عدم تبیین صحیح فلسفه تعدد حدود، مبهم بودن تعدد حدود در زمینه جرم‌انگاری و کیفرگذاری و همچنین وجود برخی مشکلات در اجرای مجازات‌های ناظر به تعدد جرم در قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ ش.

ضرورت این بحث نیز به لزوم تبیین صحیح نظام جزایی اسلام مبتنی بر فقه شیعه باز می‌گردد؛ به گونه‌ای که با مطالعه مواد مربوط به تعدد حدود در قانون مجازات اسلامی،

نمی‌توان به آن سیاست جنایی‌ای که قانون‌گذار یا شارع در مجازات تعدد حدود به‌دنبال آن بوده است، به‌راحتی پی برد.

با توجه به توضیحات پیش‌گفته، پرسش‌های اصلی این مقاله آن است که اولاً تعدد حدود در زمینه جرم‌انگاری و کیفرگذاری از چه قواعدی تبعیت می‌کند؟ دوم اینکه حجیت شرعی قواعد یادشده چیست؟ سوم اینکه آیا قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ مواد مربوط به تعدد حدود را بر اساس این قواعد تنظیم کرده است؟

لذا این مقاله با روش تحلیلی-توصیفی و با استفاده از کتب، اصول و قواعد فقهی در صدد تبیین و انسجام‌بخشی به قواعد مربوط به تعدد حدود است. همچنین این پژوهش برخلاف آثار علمی دیگر (احمدی، ۱۳۹۳) در صدد موضع‌گیری برخلاف نصوص و احادیث صحیح وارده در خصوص تعدد حدود نبوده است. همچنین به دلیل تطبیقی بودن موضوع سعی شده است، پس از بیان مطالب مربوط به فقه امامیه و نتیجه‌گیری لازم، در هر بحث مواد مربوط به قانون مجازات اسلامی نیز تبیین و تحلیل گردد. افزون بر این، دلالت لفظی نیز یکی از روش‌های این مقاله برای تحلیل قواعد فقهی و مواد قانونی است.

از لحاظ ادبیات علمی تحقیق نیز در برخی از موضوعات مانند تعدد اعتباری حدود، آثار علمی چندی به‌چشم نمی‌خورد. در سایر موضوعات مقاله نیز مانند تبیین و اجرای مجازات تعدد مادی حدود، کتب و مقالاتی نگاشته شده که یافته‌های آن‌ها با محدودیت‌های زیر روبرو است:

- «نقد سیاست جنایی حدود محور در مقررات تعدد و تکرار در حقوق کیفری ایران» (پوربافرانی، ۱۳۸۴). نویسنده در این مقاله به تبعیت از تعزیرات به حدود در قواعد تعدد جرم خدشه وارد نموده و مباحث تعدد جرائم حدی را به‌طور خاص مطالعه نکرده است. همچنین این اثر ناظر به قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ش است.
- «تداخل مجازات‌ها در تعدد جرایم مستوجب حد و چالش‌های آن» (احمدی، ۱۳۹۳). پیش‌فرض این مقاله آن است که نصوص وارده دال بر تداخل مجازات تعدد حدود مشابه، خلاف اصل عدالت بوده، لذا باید به‌دنبال راه‌حلی بود که هم خلاف نصوص

عمل نشود و هم مجازات تعدد حدود مشابه با اصل عدالت سازگاری بیشتری داشته باشد. در حالی که در خلاف عدالت بودن قواعد مربوط به تعدد حدود مشابه، تردید وجود دارد و خود این گزاره باید اثبات شود. با وجود این، نویسنده نیز این تصور خود را به عنوان اصلی ثابت شده فرض نموده است.

در کتب قواعد فقه و ذیل بحث تعدد اسباب نیز (لطفی، ۱۳۹۰: ۲۲۹؛ زنجانی، ۱۳۹۱: ۸۳) در مورد علت تشریح مجازات تعدد حدود سخن به میان آمده، لیکن این بررسی‌ها تنها ناظر به نحوه تعیین و اجرای مجازات تعدد حدود بوده و فارغ از موضوع کیفرگذاری تعدد حدود و امکان سنجی آن، موضوعات قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ ش و دیگر مباحث حقوق جزای عمومی مانند تعدد اعتباری است.

در کتب حقوق جزای عمومی نیز تنها در حد چند صفحه (دو یا سه صفحه) و به صورت توصیفی، مواد قانون مجازات اسلامی در بحث تعدد حدود بیان شده است. بی‌آنکه مبانی مواد مربوطه، به بحث و فحص گذاشته شود (الهام، برهانی، ۱۳۹۳: ۲۰۴-۲۰۲؛ اردبیلی، ۱۳۹۳: ۱۷۸-۱۷۷؛ شیخ‌الاسلامی، ۱۳۹۵: ۷۴-۷۱؛ بسامی، ۱۳۹۵).

با توجه به توضیحات پیش گفته، برای بررسی دقیق پرسش‌های مطرح، مطالب این مقاله در دو بخش تعدد اعتباری و مادی حدود گنجانده شده و در هر بخش، مهم‌ترین پرسش‌های مطرح بحث و بررسی شده است.

۱. تعدد اعتباری حدود

تعدد اعتباری، تعدد عناصر قانونی ناظر به عنصر مادی واحد است. به عبارت ساده‌تر، تعدد اعتباری یا عنوانی^۱ عبارت از آن است که یک رفتار مشمول عناوین مجرمانه متعدد قرار گیرد (نوربها، ۱۳۸۴: ۴۱۰). در مورد تعدد اعتباری در حدود، دو نظر وجود دارد؛ سکوت قانون مجازات و اشاره مبهم قانون.

۱. برخی از حقوق‌دانان به اشتباه این نوع از تعدد را «معنوی» یا «روانی» نامیده‌اند. به نظر می‌رسد چون این نوع تعدد ناظر به تعدد مواد قانونی بوده و قانون نیز اعتباری است، لذا باید این نوع از تعدد را تعدد اعتباری نامید. با این استدلال، تعدد اعتباری را می‌توان تعدد عنوانی نیز خواند (رایجیان اصل، ۱۳۸۲: ۱۰).

به نظر برخی از حقوق‌دانان و با توجه به تصریح ماده ۱۳۱ قانون مجازات اسلامی^۱، تعدد اعتباری تنها ناظر به جرائم تعزیری دانسته شده و قانون مجازات اسلامی در زمینه تعدد اعتباری حدود سکوت اختیار کرده است. لذا با این قید، جرائم مستوجب حد، قصاص و دیه مشمول قواعد تعدد اعتباری نمی‌شوند.

با وجود این، صرف نظر از سستی دلایل این رویکرد، به نظر می‌رسد اشاراتی مبهم در قانون مجازات اسلامی ناظر به تعدد اعتباری حدود وجود دارد و همچنین برخی از مصادیق این امر را می‌توان در فقه امامیه یافت.

۱.۱. مصادیق تعدد اعتباری در حدود

در فقه امامیه، مبحث و کتاب خاصی به تعدد جرم، از جمله تعدد اعتباری، نپرداخته است. لیکن مصادیق این امر در احکام فقهی دیده می‌شود. در عین حال، با دقت در مواد مربوط به قانون مجازات اسلامی برخی از مصادیق تعدد اعتباری را می‌توان برشمرد:

۱.۱.۱. جرائم حدی موجب تعزیر

نباید از این نکته غفلت کرد که گاه مجازات جرائم موجب حد یا قصاص به هر دلیلی اجرا نمی‌شوند و قانون‌گذار در این گونه موارد، به جای مجازات حد یا قصاص و یا در تکمیل این دو مجازات، مجازات تعزیری را توصیه نموده است. لذا اگرچه این گونه جرائم تعزیری نیستند، لیکن مجازات جایگزین حد و قصاص در آن‌ها تعزیر است و اصولاً به همین دلیل است که قانون‌گذار، آگاهانه یا ناآگاهانه، در ماده ۱۳۱ قانون به جای استفاده از اصطلاح «جرائم تعزیری» از عبارت «جرائم موجب تعزیر» استفاده کرده است.

بنابراین، تعدد اعتباری در جرائم حدی نیز متصور است و ماده ۱۳۱ قانون، برخی از جرائم حدی را نیز دربر می‌گیرد و آن زمانی است که مجازات تعزیری جانشین و یا مکمل مجازات حدی است. برای نمونه، در صورت ناممکن بودن اجرای رجم با پیشنهاد دادگاه صادرکننده حکم قطعی و موافقت رئیس قوه قضاییه، چنانچه جرم با بینه ثابت شده باشد،

۱. ماده ۱۳۱: در جرائم موجب تعزیر هرگاه رفتار واحد دارای عناوین مجرمانه متعدد باشد، مرتکب به مجازات اشد محکوم می‌شود.

موجب اعدام زانی محصن و زانیه محصنه است و در غیر این صورت موجب صد ضربه شلاق برای هریک می‌باشد (ماده ۲۲۵). لذا مجازات صد ضربه شلاق برای حد رجمی که با اقرار ثابت شده و امکان اجرای آن وجود ندارد، نوعی مجازات تعزیری است که جانشین مجازات حدی است. تعزیری است زیرا بر اساس قاعده «التعزیر دون الحد»، صد ضربه شلاق نسبت به حد رجم، دون الحد شمرده می‌شود.

لذا زانی محصنه‌ای که امکان اجرای رجم در آن وجود ندارد، همراه با تقبیل و مضاجعه، مشمول تعدد اعتباری قرار می‌گیرد. مجازات این تعدد نیز بر اساس ماده ۱۳۱ قانون، مجازات اشد است. بنابراین، تعدد اعتباری تنها مختص جرائم تعزیری نیست و جرائم حدی و تعزیری را نیز دربر می‌گیرد. همچنین مجازات تعزیری می‌تواند مکمل مجازات حدی باشد که در ادامه مقاله به آن خواهیم پرداخت.

۲.۱.۱. تلقی مجموعه رفتارها به عنوان یک واقعه

همچنین نوع دیگری از تعدد اعتباری در مورد جرائم حدی قابل تصور است؛ به این صورت که دو یا چند جرم حدی مرتبط با یکدیگر واقع شوند. لذا هرگاه جرائم ارتكابی بعضی مقدمه بعضی دیگر باشد و یا از لوازم آن به شمار آید و مجموع آن‌ها نیز دارای عنوان خاص جزایی باشد، موضوع از مصادیق تعدد اعتباری بوده، مجازات جرمی داده می‌شود که جزای آن اشد است. قانون مجازات اسلامی نیز در تبصره ۲ ماده ۱۳۲ آورده است:

«چنانچه دو یا چند جرم حدی در راستای هم و در یک واقعه باشند، فقط مجازات اشد اجراء می‌شود؛ مانند تفخیز در هنگام لواط که تنها مجازات لواط اجراء می‌شود».

بنابراین چون ورود غیرمجاز به منازل افراد از لوازم سرقت و تهیه مشروب از لوازم و مقدمات شرب آن است، مرتکب را فقط می‌توان به مجازات سرقت و یا شرب خمر محکوم کرد و نه به مجازات ورود به منزل افراد و سرقت و خرید مواد الکلی^۱ (مصلاحي، ۱۳۸۱: ۷۳).

به نظر پیش گفته ایراد گرفته شده است که در آن، ارتكاب دو جرم را تعدد معنوی

دانسته‌اند، درحالی که در تعدد معنوی با یک عمل روبرو هستیم و دو عنوان (قیاسی و یاوری، ۱۳۹۴: ۱۶۷). این اشکال این‌گونه پاسخ داده می‌شود که در حقوق کیفری گاه مجموعه‌ی وقایع و رفتارها، یک واقعه‌ی عینی تلقی می‌شود و مبنای این امر نیز عرف یا قانون است. لذا عرف مجموع این اعمال ارتكابی را می‌تواند یک عمل تلقی نماید. چنان‌که در جرم کلاهبرداری با استفاده از سند مجعول که تعدد اعتباری شمرده می‌شود (حسینی، ۱۳۹۲: ۲۳)، عرف و قانون مجموعه‌ی این اعمال را یک عمل دانسته و لذا این نوع از کلاهبرداری را مشمول تعدد مادی ندانسته است. در مورد جرائم حدی مرتبط نیز این‌گونه است؛ پس تفخیز و لواط می‌توانند در راستای هم صورت گرفته، مصداق تعدد اعتباری باشند. لذا برخلاف نظر برخی از حقوق‌دانان، قانون‌گذار برای برخی از مصادیق تعدد اعتباری در قانون مجازات اسلامی، مجازات مربوطه را پیش‌بینی کرده است.

۳.۱.۱. عمل واحد

افزون بر مصادیق یادشده، تعدد اعتباری در یک رفتار ساده نیز قابل تصور است؛ مانند اینکه فردی با قصد ایجاد ناامنی گسترده به منظور مقابله با اساس نظام جمهوری اسلامی دست به اسلحه‌برداری در این رفتار هم مشمول عنوان افساد فی الارض (ماده ۲۸۶) است، هم محاربه (ماده ۲۷۹) و هم بغی (ماده ۲۸۷). یا اینکه شخصی به صورتی قوادی بنماید که مصداق اشاعه گسترده فحشا و افساد فی الارض باشد (ماده ۲۸۶)؛ برای مثال از طریق راه‌اندازی سایت اینترنتی اقدام به قوادی نماید (ایزدی فرد و حسین‌نژاد، ۱۳۹۵: ۴۳). یا اینکه شخصی با قصد اخلال گسترده در امنیت داخلی و خارجی کشور، اقدام به ساب‌النبی کرده، آن را از طریق فضای مجازی، ماهواره و ... منتشر نماید. عمل وی مشمول عنوان مجرمانه ساب‌النبی و افساد فی الارض خواهد بود.

مثال دیگر در این زمینه، سرقت مسلحانه‌ای است که موجب ایجاد ناامنی گردد. این رفتار واحد، هم مشمول عنوان سرقت حدی و هم محاربه می‌تواند باشد.^۱ در این مورد

۱. لذا برخلاف نظر برخی حقوق‌دانان که معتقدند در باب حدود، تعدد نتیجه چندان قابل تصور نیست (قیاسی، ۱۳۸۸، ص ۱۳۵)، تعدد نتیجه در حدود نیز قابل تصور است.

پرسش آن است که آیا هم حد محاربه جاری می‌شود و هم حد سرقت^۱.

نتیجه آنکه برخلاف نظر برخی از حقوق‌دانان (عباسی، ۱۳۹۳: ۱۵۵) این‌گونه نیست که در خصوص تعدد اعتباری در جرائم مستوجب حد، قانون مجازات اسلامی به‌طور کلی سکوت کرده و حکمی نداده باشد.

۴.۱.۱. تعدد حدود و تعزیرات

در مورد تعدد اعتباری جرائم حدی و تعزیری، سه فرض قابل تصور است:

- جرم تعزیری مقدمه جرم حدی باشد؛ برای مثال تقبیل که منتهی به زنا شود. قانون‌گذار حکم این امر را به این صورت مشخص کرده است، در صورتی که جرم حدی از جنس جرم تعزیری باشد، مانند زنا و روابط نامشروع کمتر از زنا، مرتکب فقط به مجازات حدی محکوم می‌شود و مجازات تعزیری ساقط می‌گردد (تبصره ماده ۱۳۵ ق.م.ا). در مورد بزه نیش قبر (ماده ۶۳۴ قانون تعزیرات) و ارتکاب جرم حدی بر میت (ماده ۲۲۲) نیز حکم به جمع مجازات‌ها داده شده است.
- جرم حدی مقدمه جرم تعزیری باشد؛ مانند نوشیدن شراب و استعمال علنی مشروبات الکلی (ماده ۷۰۱ قانون تعزیرات). اگرچه این امر مصداق تعدد اعتباری است، ولی قانون‌گذار حکم به جمع مجازات هر دو جرم داده است.
- جرم تعزیری و حدی دارای عنصر مادی مشابه باشند؛ مانند شخصی که در یک شب از یک منزل اقدام به سرقت کرده و دو مال را می‌رباید که یکی سرقت حدی و دیگری مشمول سرقت تعزیری است. حال پرسش این است که آیا وی مرتکب یک سرقت شده یا دو سرقت؟ قانون‌گذار با به‌کار بردن عبارت «همجنس بودن جرم حدی و تعزیری»، تنها مجازات حدی را در این موارد قابل اجرا دانسته است.

۱. ممکن است این نوع تعدد، تعدد نتیجه تلقی گردد. رویه قضایی در گذشته این نوع تعدد را از مصادیق تعدد اعتباری می‌دانست، ولی در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ش تعدد نتیجه نوعی تعدد مادی تلقی شده است.

۲.۱. مجازات تعدد اعتباری حدود

در مورد مثال‌های پیش گفته، پرسش‌های اساسی این است که مجازات این جرائم حدی چگونه تعیین و اجرا می‌شود؟ آیا در تعدد اعتباری این جرائم هم قاعده مجازات اشد اعمال می‌شود؟ یا اینکه در این زمینه باید قاعده‌های دیگری را جستجو کرد؟

۱.۲.۱. سکوت فقه امامیه و قانون

برخی معتقدند در تعدد اعتباری جرائم مستلزم حدود، برای تعیین مجازات مرتکب ناگزیر باید به ابواب مربوطه در قانون مجازات اسلامی مراجعه کرد و با توجه به نبود حکم قانونی، و با استناد به اصل ۱۶۷ قانون اساسی حکم قضیه را از منابع اسلامی یا فتاوی معتبر استنباط نمود.

۲.۲.۱. تعیین ضابطه در فقه امامیه

سکوت قانون مجازات اسلامی در زمینه تعدد اعتباری در حدود نیز به آن دلیل است که در منابع فقهی حکم عامی در این زمینه پیش‌بینی نشده است؛ اگرچه احکام خاصی نیز در این زمینه وجود دارد که به دلیل ضعف سند، فقها از استناد به آن خودداری ورزیده‌اند. در عین حال، برخی ضوابط در زمینه تعیین مجازات تعدد اعتباری حدود را می‌توان از احکام پراکنده فقهی اصطیاد نمود:

الف) تشدید مجازات بر اساس خاص بودن جرم

در تعیین مجازات تعدد اعتباری حدود باید توجه داشت که شارع در برخی از موارد، فعل واحدی را که موضوع دو عنوان مجرمانه بوده با مجازات شدیدتری مورد حکم قرار داده است. برای نمونه، اگر شخصی دست به سرقت مسلحانه حدی بزند، مجازات او در مرتبه اول تنها قطع دست راست است. لیکن اگر این امر موجب اخافه نیز بشود، حتی اگر قصد اخافه را نیز نداشته باشد، مرتکب دو جرم محاربه و سرقت حدی شده است. در این صورت، بر اساس نظر شیخ طوسی، مجازات وی تشدید شده، دست راست و پای چپ وی قطع می‌گردد و نفی بلد نیز می‌شود (الجبعی العاملی، ۱۳۸۲، ج ۳: ۳۲۵). لذا تعدد اعتباری در حدود

می‌تواند موجب تشدید مجازات^۱ شود. بنابراین، در صورتی که مثال یادشده را نوعی تعدد نتیجه بدانیم و تعدد نتیجه را نوعی تعدد اعتباری لحاظ کنیم (فروغی، ۱۳۹۴: ۱۷۷؛ رحمدل، ۱۳۹۰: ۱۲۴)، می‌توان نتیجه گرفت که تعدد اعتباری و تعدد نتیجه در حدود، برخلاف قصاص و دیات که ناظر به حق الناس است (بسامی و ورورایی، ۱۳۹۴: ۵۷)، موجب تشدید مجازات می‌شود، نه جمع مجازات.

لذا یکی از راه‌های تعیین مجازات در تعدد اعتباری می‌تواند حکم به اجرای مجازات عنوان مجرمانه خاص باشد. با این توضیح که در برخی موارد عمل واحد مشمول دو عنوان مجرمانه عام و خاص می‌شود که می‌توان قانون خاص را بر عام مقرر داشت. همچنین برخلاف نظر برخی از حقوق دانان که این مورد را از مصادیق تعدد اعتباری خارج می‌کنند (زراعت، ۱۳۹۲: ۷۱-۷۲)، این مورد نیز می‌تواند از زمره مصادیق تعدد اعتباری باشد؛ چراکه تعدد اعتباری یعنی عمل واحد مشمول دو عنوان مجرمانه قرار می‌گیرد، خواه عنوان مجرمانه خاص یا عام باشد. عام یا خاص بودن عنوان مجرمانه تنها برای یافتن مجازات متناسب کاربرد دارد.

ب) تشدید مجازات بر اساس حق الناس بودن جرم

به نظر می‌رسد در تعدد اعتباری جرائم حدی به دلیل قاعده اصطیادی «الحدود مبنیه علی التخفیف و التسامح» (زنجانی، ۱۳۹۱: ۲۲۲)، «دفع الحدود ما استطعتم» و قاعده فقهی «درء الحدود بالشبهه» (ساداتی، ۱۳۹۵: ۱۱۴؛ محقق داماد، ۱۳۹۱، ج ۴: ۴۱)، باید حکم به اجرای مجازات اخف داد. برای نمونه، اگر شخصی سلاح بکشد و امنیت داخلی را به طور گسترده مختل کرده، موجب ناامنی گسترده در جامعه شود، عمل واحد او هم مشمول عنوان محاربه است و هم افساد فی الارض. در این مورد، بر اساس قواعد یادشده باید حکم به مجازات محاربه داد که می‌تواند نفی بلد باشد.

ممکن است گفته شود که همه حدود ناظر به حق الله نیستند که مشمول قواعد فقهی

۱. مشخص است که تشدید مجازات با مجازات اشد متفاوت است. مجازات اشد معمولاً در تعزیرات که حداقل و حداکثر آن به نظر قاضی است، قابل اجراست. اما تشدید مجازات ناظر به فراتر رفتن از مقدار تعیین شده قانونی یا شرعی است.

پیش گفته شوند. برای نمونه، حد افساد فی الارض در مورد جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد یا اخلال در نظام اقتصادی کشور، مانند حد قذف، می‌تواند ناظر به حق الناس باشد. لذا بر اساس نظریهٔ بازدارندگی در این گونه موارد که جرم دارای جنبهٔ حق الناسی است، باید مجازات اشد اعمال شود.

در این زمینه باید توجه داشت که بزه‌دیده داشتن یا نداشتن جرم (victimless crime) نقش مهمی در تعیین مجازات تعدد جرم در حقوق کیفری اسلام دارد. در حقوق اسلام اصل ضرر به عنوان مبنای جرم‌انگاری دامنهٔ وسیعی داشته، ضرر به خود و حتی ضرر به حق الله را نیز شامل می‌شود. در عین حال، در میان انواع متعلق ضرر، ضرر به انسان‌های دیگر با شدیدترین واکنش روبرو شده است. از همین رو در قصاص و دیات اصولاً قاعدهٔ جمع مجازات‌ها اعمال می‌شود؛ چراکه در حق الناس مجالی برای ادغام مجازات‌ها نیست. به عبارت دیگر، در جرائم ناظر به حق الناس که بزه‌دیدهٔ آن انسان دیگری است، اصل بر جمع مجازات‌ها است.

لذا با اینکه قذف یکی از حدود بوده و در حدود مشابه اصل بر تداخل مجازات‌ها است، به دلیل آنکه قذف ناظر به حق الناس است، قاعدهٔ جمع مجازات‌ها در آن جاری می‌شود.

نتیجه آنکه بر اساس تنقیح مناط تعدد جرم در جرائم منصوص شرعی مانند حدود، قصاص و دیات می‌توان گفت که در تعزیرات نیز باید میان تعزیرات ناظر به حق الله و حق الناس تفکیک قائل شد؛ به این صورت که در تعدد تعزیرات ناظر به حق الناس، باید اصل بر جمع مجازات‌ها و در تعزیرات ناظر به حق الله، اصل بر تداخل مجازات‌ها باشد. منظور از تعزیرات ناظر به حق الله جرائمی است که متعلق آن، ضرر به خود و یا دین است.

۲. تعدد مادی حدود

تعدد مادی جرم در حدود عبارت است از ارتکاب جرائم متعدد بدون آنکه مجازات‌های تعیین شده به اجرا گذاشته شده باشد. در تعدد مادی حدود، ملاک در تمایز تکرار و تعدد، اجرای حد است و نه صدور حکم قطعی. این امر به آن دلیل است که جرائم حدی، گناه کبیره تلقی می‌شوند و لذا مجازات از باب مسبب بودن باعث تطهیر فرد گناهکار می‌گردد.

بنابراین در حقوق جزای اسلامی بیشتر بر حالت خطرناک مجرم تمرکز شده است و هدف در وهله اول سزادهی نیست. درحالی که بر اساس مبانی حقوق جزای عرفی، فردی که مرتکب تعدد جرم شده با فردی که فقط یک جرم را مرتکب شده است، قابل مقایسه نیست و باید مجازات بیشتری در انتظار این فرد باشد (جعفری، ۱۳۹۲: ۱۷۷).

۱.۲. تعیین مجازات

در فقه امامیه، مجازات حدود مشابه و غیرمشابه با یکدیگر متفاوت است و از اصول خاصی پیروی می‌کند که در اینجا به برخی از مهم‌ترین پرسش‌ها در خصوص هر کدام می‌پردازیم.

۱.۱.۲. مجازات حدود مشابه

در خصوص جرائم حدی مشابه یعنی زمانی که جرائم ارتكابی از نظر نوع و مجازات یکسان باشند، اصل بر تداخل است؛ به این معنا که تنها یک مجازات در مورد مرتکب به اجرا درخواهد آمد. قانون‌گذار در ماده ۱۳۲ قانون مقرر می‌دارد: «در جرایم موجب حد، تعدد جرم موجب تعدد مجازات است مگر در مواردی که جرایم ارتكابی و نیز مجازات آن‌ها یکسان باشد».

درحقیقت قانون‌گذار در ذیل ماده به قرینه صدر ماده بیان داشته است؛ مگر در مواردی که جرائم ارتكابی و نیز مجازات آن‌ها یکسان باشد که در این صورت تعدد جرائم موجب حد، موجب تعدد مجازات نمی‌شود.

بنابراین اگر شخص چندین فقره جرم زنا را مرتکب شده باشد، تنها یک مجازات در مورد وی اجرا می‌شود. البته باید توجه داشت اگر عنوان جرائم یکی باشد، اما میزان مجازات‌ها متفاوت باشد، در این حالت مجازات‌ها با هم جمع نمی‌شود و باز هم تعدد جرم موجب تعدد مجازات‌ها است؛ مانند شخصی که مرتکب یک جرم زنا می‌شود و شلاق و یک زنا می‌شود. در این مورد تنها دو استثنا بر جمع مجازات‌ها وجود دارد:

- استثنای اول زمانی است که جرائم مختلف در راستای هم و در یک واقعه باشند که

در این صورت به جای جمع مجازات‌ها، تنها مجازات‌ها اشد که مجازات جرم نهایی و جرم هدف است، به اجرا در خواهد آمد (تبصره ۲ ماده ۱۳۲).

- استثنای دوم در خصوص جرم قذف است. در جرم قذف هرچند قانون گذار در تبصره ۴ ماده ۱۳۲ مقرر می‌دارد: «چنانچه قذف، نسبت به دو یا چند نفر باشد، دو یا چند مجازات اجرا می‌شود». و این امر گویای آن است که در این مورد به صورت مطلق هرچند جرم و مجازات مشابه است، باز هم جمع مجازات‌ها اجرا می‌شود، اما باید گفت که در قذف حکمی متفاوت وجود دارد و آن بحث تعدد مرتکبان و چگونگی قذف و نحوه شکایت است که تمامی این موارد بر حکم و اجرای آن تأثیرگذار است. در این راستا باید مواد ۲۵۶ و ۲۵۷ قانون مجازات اسلامی را به‌عنوان مبین تبصره ۴ ماده ۱۳۲ مد نظر قرار داد.

۲.۱.۲. مجازات حدود غیرمشابه

پرسش مطرح در این باب آن است که اصل در تعیین مجازات تعدد مادی حدود چیست. اصل در حدود آن است که مجازات‌ها با یکدیگر جمع شود. لذا مرتکب در صورت ارتکاب چندین جرم مستوجب حد، مشمول مجازات همه جرائم ارتکابی خواهد بود (محقق حلی، ۱۴۳۲ق: ۱۴۳ و ۱۴۴).

از این قاعده به‌عنوان «عدم تداخل الاسباب فی العقوبات» نیز یاد شده است (عمید زنجانی، ۱۳۹۱: ۸۳). منتها این اصل در برخی موارد مانند مشابه بودن جرم و مجازات حدی تخصیص خورده^۱، در این صورت تنها یک مجازات اعمال می‌شود (خویی، ۱۳۹۱، ج ۱: ۱۰۳ و ۱۴۴). در قانون مجازات اسلامی نیز برخلاف اجماع فقهای امامیه و بر اساس نظر فقهای عامه، تداخل برخی حدود در مرحله اجرای مجازات‌ها پذیرفته شده است که در ادامه مقاله به آن می‌پردازیم.

در قانون مجازات اسلامی، تعدد جرائم موجب حدود، موجب تعدد مجازات است مگر در مواردی که جرائم ارتکابی و نیز مجازات آن‌ها یکسان باشد (ماده ۱۳۲): لذا:

۱. و ما من عام و قد خص

- ارتکاب شرب خمر، زنا، غیرمحصنه و سرقت حدی مستوجب حکم شلاق برای زنا و شرب خمر، و حکم قطع دست برای سرقت حدی است.
- اگر جرائم یکسان بوده، مجازات‌ها از یک نوع نباشد؛ مانند آنکه بعضی از آن‌ها مستوجب تازیانه و بعضی رجم باشد، در این صورت پیش از رجم زانی حد تازیانه بر او جاری می‌شود (نجفی، ۱۹۸۱، ج ۴۱: ۳۳۵).

در بیان علت جمع مجازات‌ها در حدود، باید به اصول فقه کیفری مراجعه کرد. اصل در حدود آن است که هر سببی دارای مسببی است (لطفی، ۱۳۹۰: ۲۲۹). در این معنا سبب، گناه بوده و مسبب، همان مطهر است. پس همان‌طور که اسباب ازاله طهارت در صورتی که مشابه باشد، تنها نیاز به یک مسبب دارد، در این صورت در تعدد جرائم حدی نیز اگر جرائم حدی ارتکاب یافته مشابه باشد، مجازات نیز که همان مطهر است، یکی خواهد بود. لذا در صورتی که یک نوع جرم، مانند زنا، پیش از اجرای حد چندین بار تکرار شده باشد، بسیاری از فقها به تداخل مجازات‌ها قائل شده، اجرای یک حد را کافی دانسته‌اند (نجفی، ۱۹۸۱، ج ۴۱: ۳۳۴). از همین رو، در صورتی که سارق دستگیر شده باشد و سرقت مستوجب حد او ثابت شود، دست راست وی قطع می‌شود و سپس اگر اثبات گردد که وی پیش‌تر سرقت‌های دیگری را مرتکب شده که کشف نشده است، پای چپ او هم قطع می‌شود (خویی، ۱۳۹۱، ج ۱: ۱۴۴).

این امر به آن دلیل است که در کیفرهای اسلامی، هدف تطهیر گناهکار است. لذا اهداف دیگر، مانند ارباب، بازدارندگی و اصلاح رفتاری هدف اصلی نیستند. مفهوم تطهیر مفهومی فراگیرتر از اصلاح رفتاری است.

۳.۱.۲. حق الله یا حق الناس بودن حد

نکته بعد این است که در قانون مجازات اسلامی، قواعد تعدد حدود مربوط به حق الله با حدود مربوط به حق الناس متفاوت است. تنها حدی که در فقه امامیه مربوط به حق الناس بوده، حد قذف است. در حد قذف، تنها سبب مجازات، وقوع جرم نیست، بلکه به دلیل آنکه جرم ناظر به حق الناس است و در حق الناس، رسیدگی قضایی تنها با شکایت مدعی

خصوصی به جریان می‌افتد، شکایت نیز جزء اسباب مجازات است. لذا اگر شخصی، جماعتی را با لفظ واحد قذف کند اگر همگی با هم شکایت کنند، تنها یک حد جاری می‌شود. ولی اگر هر کدام جداگانه شکایت نمایند، برای هر شکایت حد جداگانه‌ای بر او جاری می‌شود (خویی، ۱۳۹۱، ج ۱: ۱۲۳). در عین حال، اگر آن شخص، افراد آن جمع را جداگانه قذف کند، بابت هر لفظ یک حد بر او جاری می‌شود. نتیجه آنکه سبب در حدِ ناظر به حق الناس ترکیبی از جرم و شکایت است؛ درحالی که سبب در حدِ ناظر به حق الله، تنها ارتکاب جرم است.

با وجود این، در برخی احادیث، در حدود ناظر به حق الله مانند سرقت نیز شکایت مدعی خصوصی و اقامه بینه به عنوان یک سبب در کنار سبب وقوع جرم، مستلزم تحقق مسبب (کیفر) دانسته شده است. مستند این قول حدیثی صحیح از امام جعفر صادق (ع) است که می‌فرماید:

«فی رجل سرق فلم یقدر علیه، ثم سرق مرة اخرى ولم یقدر علیه، وسرق مرة اخرى، فأخذ فجاءت البینه فشهدوا علیه بالسرقه الاولى والسرقه الاخیره، فقال: تقطع یدیه بالسرقه الاولى ولا تقطع رجله بالسرقه الاخیره، فقیل له: وكيف ذلك؟ قال لان الشهود شهدوا جميعا فی مقام واحد بالسرقه الاولى والاخیره قبل ان یقطع بالسرقه الاولى، ولو أن الشهود شهدوا علیه بالسرقه الاولى ثم امسکوا حتی یقطع، ثم شهدوا علیه بالسرقه الاخیره قطعت رجله الیسری» (حر عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۲۸: ۲۶۳).

از این حدیث نیز استنباط می‌شود که پس از اجرای حد سرقت، تنها در صورت اثبات وقوع سرقت حدی قبل از اجرای حد به وسیله بینه، حد جدید اجرا می‌شود. بنابراین، اگر این سرقت با اقرار سارق ثابت گردد، حد جدید جاری نمی‌شود؛ چراکه مفهوم مضیق واژه «بینه» ناظر به شهادت شهود است و نه هر دلیلی. لذا به موجب قاعده الحدود تدرأ بالشبهات، اجرای مجدد حد در این موارد، تنها ناظر به اثبات جرم سرقت با شهادت شهود است و نه سایر ادله مانند اقرار. لذا شکایت شاکی گاهی می‌تواند در کنار ارتکاب جرم، سبب مجازات تلقی گردد.

۴.۱.۲. تشدید مجازات حدود متعدد

اگرچه اصل در حدود متفاوت یا حدود به همراه جرائم مستوجب دیه و قصاص آن است که تعدد جرم موجب تعدد مجازات می‌شود، نکته قابل توجه آن است که در برخی حدود مانند محاربه، مجازات مربوطه متناسب با سایر جرائم ارتكابی تغییر می‌کند، ولی اصل بر جمع مجازات نیست. توضیح آنکه مجازات محارب چهار چیز می‌تواند باشد: اعدام، صلب، قطع دست راست و پای چپ و نفی بلد (ماده ۲۸۲). در عین حال، انتخاب هر یک از امور چهارگانه یادشده به اختیار و صلاحدید قاضی واگذار شده است (ماده ۲۸۳).

لیکن این امر بر اساس نظر برخی فقهای امامیه مانند شیخ طوسی، به‌طور کامل به قاضی واگذار نشده است. حالت‌های مختلف این امر را بررسی می‌نماییم:

الف) اگر کسی به قصد ترساندن مردم سلاح بکشد، تنها به نفی بلد محکوم می‌شود (خویی، ۱۳۹۱، ج ۱: ۱۵۰).

ب) اگر کسی پس از کشیدن سلاح، شخصی را زخمی کند، نخست باید بابت جرح وارد آورده، قصاص شود و سپس نفی بلد گردد. در این جا اصل بر جمع مجازات‌ها است.

ج) اگر کسی هم سلاح بکشد و هم سرقت کند، به هر دو مجازات محاربه و سرقت محکوم نمی‌شود. به عبارت دیگر در این مورد، اصل بر تداخل مجازات‌ها بوده، یعنی محاربه که دست به سرقت زده است، به مجازات «قطع دست راست و پای چپ» محکوم می‌شود. حکم این امر در قانون مجازات اسلامی نیامده است. لذا این گونه نیست که در همه موارد مجازات حدود متفاوت با یکدیگر جمع شود، بلکه گاهی تداخل نیز صورت می‌گیرد.

د) اگر کسی سلاح بکشد، کسی را مضروب و مجروح کرده، دست به سرقت بزند، لیکن کسی را نکشد، پس از قصاص بابت ضرب و جرح وارده، بر اساس صلاحدید قاضی، به یکی از سه مجازات اعدام، صلب یا قطع دست راست و پای چپ می‌تواند محکوم شود.

ه) اگر کسی محارب باشد و دست به قتل نیز بزند، یک مجازات یعنی اعدام مورد حکم قرار گرفته، مجازات‌ها تداخل پیدا می‌کند.

و) اگر کسی محارب باشد و دست به قتل و سرقت هم بزند، امام دست راست او را به دلیل سرقت قطع کرده، سپس بابت قتل از سوی خانواده مقتول قصاص می‌شود و لذا محارب تنها به مجازات قتل در این مورد محکوم شده، سایر مجازات‌های محاربه مانند نفی بلد، قطع دست راست و پای چپ و صلب در مورد او جاری نمی‌شود. در عین حال، اگر خانواده مقتول محارب را عفو کند، امام باید او را بابت محاربه اعدام نماید (خویی، ۱۳۹۱، ج ۱: ۱۵۰).

بنابراین، همان‌طور که ملاحظه شد، مجازات تعدد جرم حتی در حالت‌های متفاوت، جمع مجازات‌ها نیست، بلکه گاهی مجازات حدود مختلف جمع نشده، بلکه با یکدیگر تداخل پیدا می‌کنند.

نکته مهم دیگر آن است که در صورت تعدد جرم محاربه با سایر جرائم، قاضی در انتخاب مجازات مربوطه دارای اختیارات زیادی است؛ چراکه وی می‌تواند یا حکم به اعدام داده، و یا در برخی موارد به قطع دست راست و پای چپ حکم دهد. این اختیار قاضی فقط در موارد تعدد جرم محاربه با سایر مجازات‌ها است. قطعاً ضابطه موردنظر برای این انتخاب قاضی، توبه و اصلاح و در اصطلاح جرم‌شناسی، میزان حالت خطرناک فرد مجرم است.

۵.۱.۲. قلمرو تعدد حدود

در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ش، معیار تعدد حدود دو امر بود: عدم اجرای مجازات و اثبات تمامی جرائم. لذا اگر پس از اجرای حد، ثابت شود که فرد حد دیگری بر ذمه دارد که به آن اقرار نکرده و یا ثابت نشده است، بابت آن جرم حدی دوباره مجازات می‌شود. با توجه به این قاعده نیز مقرر شده بود: «ماده ۲۰۲- هرگاه انگشتان دست سارق بریده شود و پس از اجرای این حد، سرقت دیگری از او ثابت گردد که سارق قبل از اجرای حد مرتکب شده است پای چپ او بریده می‌شود».

در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ش به این قاعده اشاره‌ای نشده و سکوت اختیار شده است. فقها در این زمینه اجماعی نداشته‌اند، ولی سه نظر در این زمینه وجود دارد. عده‌ای از فقها در مسئله یادشده توقف کرده‌اند (حلی، ۱۳۷۳، ج ۴: ۱۶۵)؛ برخی دیگر مانند شیخ

طوسی (۱۳۵۱، ج ۸: ۳۸)، ابن ادریس و علامه حلی (حلی، ۱۳۷۶، ج ۹: ۲۳۰، ۲۳۱) و نیز صاحب ریاض المسائل (طباطبایی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۰: ۲۰۲-۲۰۱) به عدم قطع فتوا داده‌اند؛ و تنها فقهایی مانند آیت‌الله خویی (۱۳۹۱، ج ۱: ۱۴۴) و صاحب مهذب الاحکام (سبزواری، ۱۴۱۷ق، ج ۲۸: ۱۱۱) قائل به قطع در صورت کشف جرم حدی مشابه پس از اجرای حد شده‌اند.

به نظر می‌رسد بر اساس اصل احتیاط در دماء، احتیاط و با توجه به قول بیشتر فقها، قلمرو تعدد جرائم مستوجب حد، شامل تمامی جرائم پیش از اجرای حد می‌شود؛ اعم از اینکه کشف شده یا نشده باشد.

۲.۲. اجرای مجازات

قانون گذار در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ش در خصوص تعدد جرم، میان مرحله تعیین جرم و اجرا قائل به تفاوت شده است (ماده ۱۳۲ و ۱۳۴). در خصوص تعدد حدود نیز همین گونه است.

البته این امر بدون مبنا و توجیه مشخصی در فقه امامیه تعیین شده است. اجماع فقهای امامیه بر آن است، در صورتی که مجرم به جلد و رجم محکوم شود، نخست حدی اجرا می‌شود که با اجرای آن، امکان اجرای حدود دیگر از بین نرود (خویی، ۱۳۹۱، ج ۱: ۱۰۵؛ نجفی، ۱۹۸۱، ج ۴۱: ۳۳۵؛ خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲: ۴۶۶). دلایل این حکم عبارت‌اند از:

- اصل بر فوری بودن اجرای حدود و عدم تعطیلی حدود. حدیثی از حضرت علی (ع) نقل شده است: «یا محمد من عطل حدا من حدودی فقد عاندنی وطلب بذلک مضادتی» (حر عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۲۸: ۱۳).
- فقهای امامیه در خصوص این حکم هیچ مخالفتی نداشته‌اند و نوعی اجماع در این زمینه وجود دارد (خویی، ۱۳۹۱، ج ۱: ۱۰۵).
- در صحیح زراره از امام صادق (ع) نقل شده است: «أیما رجل اجتمعت علیه حدود فیها القتل یبدأ بالحدود التی هی دون القتل ثم یقتل بعد ذلک» (حر عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۸: ۳۲۵).

- این حکم مقتضی عمل به دو سبب است؛ چراکه هر سببی مسبب خود را دارد و در این مورد، تداخل اسباب نیز وجود ندارد.

در صورت جمع مجازات‌ها تقدم و تأخر اجرای مجازات مسئله‌ای است که باید نسبت به آن تعیین تکلیف شود. قانون‌گذار در تبصرهٔ یک مادهٔ ۱۳۲ بر اساس نوع مجازات مقرر می‌دارد: «چنانچه مرتکب به اعدام و حبس یا اعدام و تبعید محکوم گردد، تنها اعدام اجرا می‌شود». هرچند قانون‌گذار تبصرهٔ یک مادهٔ ۱۳۲ را در ذیل ماده‌ای که در خصوص جرائم موجب حد است، آورده، اما به نظر می‌رسد، جرائم حدی خصوصیتی نداشته، قانون‌گذار برای تمامی جرائم این قاعده را وضع نموده است (الهام و برهانی، ۱۳۹۳، ج ۲: ۱۸۶).

قانون‌گذار تنها در حالت جمع اعدام با حبس و اعدام با تبعید، حکم به اجرای اعدام داده است. بنابراین، زمانی که اعدام با شلاق یا تراشیدن موی سر (مانند جرم موضوع مادهٔ ۲۲۹) مورد حکم قرار گیرد، باید به جمع مجازات‌ها حکم داده شود.

در همین راستا، قانون‌گذار در تبصرهٔ ۳ مادهٔ ۱۳۲ با قیود بیشتری صورت جمع میان اعدام و شلاق یا رجم و شلاق را مورد حکم قرار داده و مقرر کرده است: «اگر مرد و زنی چند بار با یکدیگر مرتکب زنا شوند، چنانچه مجازات اعدام و جلد یا رجم و جلد ثابت باشد، تنها اعدام یا رجم حسب مورد اجراء می‌شود». به نظر می‌رسد این حکم تنها زمانی قابل اجرا است که طرفین جرم مرتکب چندین فقره زنا شده باشند که در برخی صور، این مجازات مستوجب اعدام یا رجم است و در برخی موارد مستوجب شلاق.

اما در صورتی که طرفین جرم متفاوت باشند؛ برای مثال فردی مرتکب زنا می‌شود و اعدام و زنا مستوجب شلاق شده باشد، در این صورت این مجازات‌ها با یکدیگر جمع خواهند شد (الهام و برهانی، ۱۳۹۳، ج ۲: ۱۸۶).

در عین حال، برخلاف فقه امامیه، در قانون مجازات اسلامی در صورت جمع مجازات شلاق حدی و رجم ناشی از چندین زنا از سوی یک مرد و یک زن^۱، تنها مجازات رجم اجرا

۱. تبصرهٔ ۳ مادهٔ ۱۳۲: اگر مرد و زنی چند بار با یکدیگر مرتکب زنا شوند، چنانچه مجازات اعدام و جلد یا رجم و جلد ثابت باشد، تنها اعدام یا رجم حسب مورد اجراء می‌شود.

می‌شود؛ درحالی که مبنای فقهی این امر مشخص نیست و خلاف اجماع بودن آن محرز است (تبصره ۳ ماده ۱۳۲). همچنین این امر به معنی تعطیلی حدود الهی است.

از طرف دیگر، عدم جمع جلد و رجم در مورد زانی محسن و محصنه مورد تأیید فقهای شافعی، حنفی و مالکی است (جزیری، ۱۴۱۹ق، ج ۵: ۵۰) و در حقوق مصر^۱ که مبتنی بر مذاهب اهل سنت است، تداخل حدود در موارد پیش گفته در مرحله اجرا پذیرفته شده است (کلانتری و جعفریان سوته، ۱۳۹۰: ۳۲۲).

با این حال، همچنان که گفته شد، چنانچه مرتکب به اعدام و حبس یا اعدام و تبعید محکوم گردد، تنها اعدام اجرا می‌شود (تبصره ۱ ماده ۱۳۲). در خصوص این حکم نیز فقهای امامیه قائل به جمع حدود هستند، لیکن فقهای شافعی، حنبلی و مالکی اعتقادی به جمع حد تبعید و اعدام ندارند.

همان‌طور که مشاهده می‌شود، تبصره‌های ۱، ۲ و ۳ ماده ۱۳۲ قانون مجازات اسلامی، نه بر مبنای فقه امامیه، بلکه بر اساس فقه عامه که معتقد به جمع نسبی مجازات‌ها می‌باشند نگاشته شده است. بررسی تبصره‌های پیش گفته بیانگر آن است که قانون‌گذار در نگاه اول اصل را در حدود دارای مجازات‌های متفاوت بر جمع مجازات‌های حدی گذاشته است، لیکن این امر تنها در مرحله تعیین مجازات است. به عبارت دیگر، قانون‌گذار همان‌طور که در تعدد مادی جرائم تعزیری، دو مرحله تعیین مجازات و اجرای مجازات را قرار داده، برای تعدد مادی جرائم حدی نیز این دو مرحله را به نوعی در متن مواد قانونی گنجانده است؛ درحالی که مبنای فقهی این امر مشخص نیست. به عبارت دیگر، قانون‌گذار به جای آنکه از حدود در تعزیرات تنقیح مناط بگیرد، از تعزیرات در حدود الهی تنقیح مناط گرفته است.

لذا در مرحله تعیین مجازات حدود متفاوت، اصل بر جمع مجازات‌ها است، لیکن بر اساس قانون مجازات اسلامی، در مرحله اجرا، برخی مجازات‌ها در مجازات شدیدتر تداخل پیدا می‌کنند:

- حبس و تبعید در مجازات اعدام تداخل پیدا می‌کند.

۱. مواد ۳۳ تا ۳۸ قانون عقوبات مصر

- شلاق در مجازات اعدام یا رجم ناشی از زنا یا مکرر یک مرد و زن تداخل پیدا می‌کند.
- مجازات مشابه ناشی از حدود مشابه با یکدیگر تداخل پیدا می‌کند.

لذا با توجه به این سه مورد، در موارد زیر حدود در مرحله اجرا جمع شده، همگی اجرا می‌شوند:

- شلاق با مجازات اعدام یا حبس یا تبعید جمع می‌شود.
- حبس با تبعید جمع می‌شود.
- شلاق با مجازات اعدام یا رجم ناشی از زنا یا مکرر یک مرد با چند زن یا یک زن با چند مرد جمع می‌شود.

نتیجه آنکه این گزاره که «در جرائم موجب حد، تعدد جرم، موجب تعدد مجازات است» و در ماده ۱۳۲ قانون مجازات اسلامی به صراحت به عنوان یک اصل در تعدد جرائم حدی آمده، از لحاظ فقهی عام نبوده، لذا نمی‌توان آن را معتبر دانست.

نکته آخر اینکه جمع مجازات‌های حدی متفاوت، با این اشکال روبروست که در صورتی که مجرم مرتکب چندین جرم حدی مستوجب شلاق گردد، برای مثال شرب خمر، قوادی و زنا، جمعاً ۲۵۵ ضربه باید متحمل شود که این امر خارج از توان بشری بوده و ممکن است اجرای آن به مرگ مجرم منجر شود؛ در حالی که مجازات وی شلاق است و نه اعدام. پس بنا به قاعده «لاضرر» و «منع عسر و حرج» باید مقرر گردد که در تعدد مجازات جلد، در هر نوبت تنها مجازات یک جرم حدی اجرا شود و نوبت بعدی منوط به بهبودی مجرم پس از اجرای حکم شلاق سابق است.

نتیجه

سیاست جنایی ایران در مورد تعدد حدود در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ ش دستخوش دگرگونی‌های فراوان شده است. یکی از دلایل این امر، ابهام در مورد چرایی جرم‌انگاری و کیفرگذاری تعدد حدود در قوانین سابق بوده است. این ابهام، خود یکی از دلایل عدول تعدد جرائم تعزیری از مناسبات و ملاک تعدد حدود در قانون جدید مجازات اسلامی بوده است؛ به گونه‌ای که تعدد جرائم تعزیری عیناً به قوانین پیش از انقلاب از جمله قانون مجازات

عمومی ۱۳۵۲ش باز گشته است.

یافته این مقاله حاکی از آن است که برخلاف نظر برخی از حقوق دانان، تعدد اعتباری حدود قابل تصور بوده، افزون بر وجود برخی از مصادیق در فقه امامیه (مانند سرقت حدی مسلحانه که دارای دو عنوان سرقت حدی و محاربه است)، بعضی از عبارات در مواد قانون مجازات اسلامی (مانند عبارت «جرائم موجب تعزیر») و همچنین برخی از مواد قانونی (تبصره ۲ ماده ۱۳۲ و تبصره ماده ۱۳۵) می تواند ناظر به تعدد اعتباری حدود باشد.

همچنین با تقسیم بندی حدود به حدود ناظر به حق الله و حق الناس می توان به این نتیجه دست یافت که در تعدد حدود ناظر به حق الناس مانند قذف، اصل بر جمع مجازاتها است. در قصاص و دیات نیز از آن رو به جمع مجازاتها حکم می شود که ناظر به حق الناس هستند. علاوه بر این، هدف در مجازات حدود متعدد در وهله اول سزادهی نیست، بلکه هدف تطهیر بزهکار است. از این رو، تداخل مجازات در جرائم مشابه حدی خلاف اصل عدالت تلقی نمی شود.

نکته دیگر آنکه قانون گذار با تفکیک مرحله تعیین مجازات و اجرای مجازات، افزون بر حکم به تداخل برخی مجازاتها در مرحله تعیین حکم مانند حدود مشابه، حکم به تداخل مجازاتها در مرحله اجرای حکم نیز داده است (تبصره ۱، ۲ و ۳ ماده ۱۳۲).

مبنای تداخل مجازاتها در مرحله اجرای حکم که برخلاف اجماع فقهای امامیه است، نظر فقهای شافعی، حنفی، مالکی و حنبلی است. فقهای عامه از تداخل مجازاتها در مرحله اجرای احکام با عنوان «جمع نسبی مجازاتها» یاد می کنند. جمع نسبی مجازاتها در حقوق کیفری مصر پذیرفته شده است.

نتیجه آنکه قانون گذار باید موادی را به صراحت به تعدد اعتباری حدود اختصاص داده، مجازات آن را بر اساس منابع فقهی تعیین کند و در موارد مستحدثه بر اساس فتاوی فقهای جامع الشرایط حکم مربوطه را به روشنی در مواد قانونی مشخص سازد. از طرف دیگر، با توجه به عدم اجماع فقهای شیعه بر تداخل حدود در مرحله اجرای مجازات و همچنین عدم جواز تعطیلی حدود، نسبت به حذف مواد مربوطه اقدام شود.

منابع و مأخذ

الف) فارسی

- کتاب‌ها

۱. الهام، غلامحسین و برهانی، محسن (۱۳۹۳)، *درآمدی بر حقوق جزای عمومی*، جلد ۲، چاپ دوم، تهران: نشر میزان.
۲. اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۳)، *حقوق جزای عمومی*، جلد سوم، تهران: نشر میزان.
۳. بسامی، مسعود (۱۳۹۵)، *تعدد اعتباری جرم در رویه قضایی و دکترین*، چاپ سوم، تهران: نشر خرسندی.
۴. شیخ الاسلامی، عباس (۱۳۹۵)، *تعدد جرم، نظریه‌ها و رویه‌ها*، تهران: میزان.
۵. زنجانی، عمید (۱۳۹۱)، *قواعد فقه بخش حقوق جزا*، جلد ۲، تهران: سمت.
۶. لطفی، اسدالله (۱۳۹۰)، *قواعد فقه حقوقی و جزایی*، تهران: انتشارات خرسندی.
۷. محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۹۱)، *قواعد فقه بخش جزایی*، چاپ بیست و پنجم، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
۸. مصلاحی، علیرضا (۱۳۸۱)، *قانون مجازات اسلامی در دیوان عالی کشور*، چاپ دوم، تهران: ادبستان.
۹. نوربها، رضا (۱۳۸۴)، *زمینه حقوق جزای عمومی*، چاپ سیزدهم، تهران: انتشارات گنج دانش.

- مقاله‌ها

۱۰. احمدی، زهرا (۱۳۹۳)، «تداخل مجازات‌ها در تعدد جرایم مستوجب حد و چالش‌های آن»، *مطالعات اسلامی، فقه و اصول*، سال چهارم و ششم، شماره ۹۷، ص ۷۴-۵۵.
۱۱. ایزدی‌فرد، علی‌اکبر و حسین‌نژاد، مجتبی (۱۳۹۵)، «بررسی فقهی افساد فی الارض

- اینترنتی»، پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، سال دوازدهم، ش ۴۴، ص ۵۶-۲۹.
۱۲. بسامی، مسعود و وروایی، اکبر (۱۳۹۴)، «تعدد نتایج مجرمانه در فقه و حقوق کیفری ایران»، *مطالعات فقه و حقوق اسلامی*، سال هفتم، شماره ۱۳، ص ۶۲-۳۵.
۱۳. پوریافرانی، حسن (۱۳۸۴)، «نقد سیاست جنایی حدود محور در مقررات تعدد و تکرار در حقوق کیفری ایران»، *نامه مفید*، دوره ۱۱، شماره ۴۹، ص ۴۶-۲۷.
۱۴. جعفری، مجتبی (۱۳۹۲)، «تعدد جرم و آثار آن در قانون جدید مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲)»، *پژوهش حقوق کیفری*، سال دوم، شماره ۵، ص ۱۹۶-۱۷۵.
۱۵. حسینی، سید رضا (۱۳۹۲)، «بررسی تحولات قاعده تعدد جرم در قوانین کیفری ایران با رویکرد به قانون مجازات اسلامی»، *دورسی*، شماره ۹۹، ص ۲۳-۱۷.
۱۶. رایجیان اصل، مهرداد (۱۳۸۲)، «تحلیلی بر مقررات تعدد جرم و دشواری‌های آن»، *فصلنامه دیدگاه‌های حقوقی*، شماره ۲۸ و ۲۹، ص ۳۷-۹.
۱۷. رحمدل، منصور (۱۳۹۰)، «ادغام احکام محکومیت متعدد»، *تحقیقات حقوقی آزاد*، شماره ۱۲، ص ۱۴۱-۱۲۰.
۱۸. زراعت، عباس (۱۳۹۲)، «تمایز حالت تعدد معنوی جرائم از عناوین مشابه»، *فصلنامه حقوق*، دوره ۴۳، شماره ۳، ص ۸۷-۶۹.
۱۹. ساداتی، سید محمدمهدی (۱۳۹۵)، «شرایط اعمال قاعده درأ در فقه امامیه و قانون مجازات اسلامی»، *مطالعات فقه و حقوق اسلامی*، سال هشتم، شماره ۱۴، ص ۱۴۶-۱۱۳.
۲۰. فروغی، فضل‌الله و رحیمیان، رضا (۱۳۹۴)، «ارزیابی تعدد مادی جرایم تعزیری در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲»، *مطالعات حقوقی*، دوره ۷، شماره ۴، ص ۲۰۳-۱۷۱.
۲۱. قیاسی، جلال‌الدین (۱۳۸۸)، «بررسی وحدت یا تعدد جرم در حالت تعدد نتیجه»، *حقوق اسلامی*، سال پنجم، شماره ۲۰، ص ۱۴۸-۱۳۳.
۲۲. قیاسی، جلال‌الدین و یآوری، احسان (۱۳۹۴)، «حکم جرایم مرتبط در جرایم تعزیری»، *پژوهشنامه حقوق کیفری*، سال ششم، شماره ۲، ص ۱۷۹-۱۵۵.

۲۳. عباسی، اصغر (۱۳۹۳)، «نقدی بر مقررات تعدد جرم در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲»، *فصلنامه تعالی حقوق*، دوره جدید، شماره ۶ (۷)، ص ۱۷۸-۱۵۵.
۲۴. عباسی، اصغر (۱۳۹۴)، «مجازات مرتکب در تعدد جرم از منظر قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲»، *ماهنامه دادرسی*، شماره ۱۹ (۱۰۹): ۱۳-۷.
۲۵. کلاتری، کیومرث و جعفریان سوته، سید حسن (۱۳۹۰)، «افق‌های اعمال کیفر در تعدد مادی جرم (افعال مختلف، عناوین متفاوت) با تأکید بر حقوق ایران و مصر»، *تحقیقات حقوقی*، شماره ۵۶، ص ۳۳۲-۳۰۷.

ب) عربی

۲۶. جزیری، عبدالرحمن (۱۴۱۹ق)، *الفقه علی المذاهب الاربعه*، جلد ۵، بیروت: لبنان.
۲۷. حر عاملی، شیخ محمدبن حسن (۱۴۱۴ق)، *وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشیعه*، جلد ۱۸ و ۲۸، چاپ دوم، قم: مؤسسه آل‌البتیت علیهم السلام لإحياء التراث.
۲۸. حلی، جعفر بن الحسن (۱۳۷۳ش)، *شرائع الاسلام*، جلد ۴، چاپ سوم، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۲۹. حلی، حسن بن یوسف (۱۳۷۶ش)، *مختلف الشیعه*، جلد ۹، مرکز النشر لمکتب الاعلام الاسلامی.
۳۰. خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۹ش)، *تحریر الوسیله*، جلد ۲، قم: دارالعلم.
۳۱. خوبی، سید ابوالقاسم (۱۳۹۱ش)، *مبانی تکمله المنهاج*، جلد ۱ و ۲، چاپ دوم، تهران: انتشارات خرسندی.
۳۲. موسوی سبزواری، سید عبدالعلی (۱۴۱۷ق)، *مهدب الاحکام*، ج ۲۸، چاپ چهارم، قم: دفتر آیت‌الله العظمی سبزواری.
۳۳. طباطبایی، سید علی (۱۴۱۲ق)، *ریاض المسائل*، ج ۱۰، بیروت: دار الهادی.
۳۴. طوسی، محمدبن الحسن (۱۳۵۱ش)، *المبسوط*، جلد ۸، تهران: المکتبه المرتضویه

۳۵. محقق حلی، جعفر بن حسن (۱۴۳۲ق)، *شرائع الإسلام فی مسائل الحلال والحرام*، نجف اشرف: روح الأمين.

۳۶. نجفی، محمدحسن بن باقر (۱۹۸۱)، *جواهرالکلام فی شرح شرائع الاسلام*، جلد ۴۱، بیروت: دار إحياء التراث العربی.

